

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل

سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات: ۲۳-۴۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶



مطالعه تطبیقی حمایت‌های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق آمریکا و ایران

الهام امیری^۱، سید محمد هاشمی^{۲*}، ولی رستمی^۳، بیژن عباسی^۴

چکیده

اولین بار قانون سال ۱۹۳۵ آمریکا، تامین اجتماعی را راهی جهت کاهش تبعات خطرهای اجتماعی دانست، که آثار نامطلوب اجتماعی دارند. برای تامین هر چه بیشتر امنیت اجتماعی، دولت‌ها از اقسار آسیب‌پذیر جامعه از جمله زنان، حمایت‌های بیشتری به عمل آوردند. حمایتی که از زنان در مستمری بازنشستگی خود در ایام سالمندی و بهره‌وری از مستمری بازنشستگی شخص ثالث از جمله همسر، پدر و همچنین بهره‌وری از مستمری بازنشستگی شخص ثالث صورت می‌گیرد، بخشی از راهکارهای دولت‌ها برای کاهش تبعات خطرهای اجتماعی برای زنان می‌باشد. برای شناخت نقاط قوت و ضعف نظام بازنشستگی ایران در جهت حمایت هرچه بیشتر از این قشر آسیب‌پذیر جامعه به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی حمایت‌های صورت گرفته از زنان در ایران و آمریکا مورد مطالعه قرار گرفته است. علیرغم اینکه ایران در انتخاب سن بازنشستگی و سن برخورداری دختران از مستمری پدر، حمایت‌های زیادی از زنان در نظر گرفته شده، ولیکن متأسفانه درحیطه همسر موقت و مطلقه با توجه به فرهنگ جامعه ایرانی، هیچ راهکاری پیش‌بینی نشده است.

واژگان کلیدی: مستمری بازنشستگی، مستمری ثالث، مستمری بازنندگان، مستمری همسری، کمک هزینه عائله مندی، کمک هزینه اولاد.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: dr.sm.hashemi@gmail.com)

*** دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

**** دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

جایگاه زنان به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع و به واسطه برخورداری از وضعیت خاص جسمی و روحی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین علت انتظار می‌رود که زنان در جامعه از شرایط بهتر و مناسب‌تری نسبت به مردان برخوردار باشند. البته در این میان، گاهاً وضعیت زنان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، که نتیجه این بی‌توجهی، آمار دو برابری تعداد زنان بالای ۶۲ سال فقیر نسبت به مردان است. (Murray, ۲۰۱۵: ۱۳) در واقع عدم توجه به مسائل و مشکلات زنان؛ وجود معضلات و مشکلات فراوان اجتماعی و عدم مطالعات کافی در خصوص چگونگی غلبه بر این مشکلات؛ نویسندگان، صاحب‌نظران و محققان را به تامل در راستای چگونگی کاهش صدمات وارده بر زنان می‌گمارد. جلوگیری از آسیب و اجحاف‌های وارده بر زنان به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در این باره به کرات تذکر داده و راه‌حلی نیز ارائه نموده‌اند. از جمله این اسناد می‌توان به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ اشاره نمود که بر تساوی حق‌تأمین اجتماعی برای زنان و مردان تأکید نموده و در قسمت ه ماده ۱۱ به تساوی حق استفاده زنان و مردان از بیمه‌های اجتماعی، بالخصوص در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر موارد از کارافتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی اشاره می‌نماید. علاوه بر آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۲، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۴، مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۵۲^۵، مقاله‌نامه شماره ۱۲۸ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۶۷^۶، اعلامیه Beijing مصوب ۱۹۹۵^۷ و اعلامیه اسلامی حقوق

^۱ Convention on the elimination of all forms of discrimination against women (۱۹۷۹)

^۲ Universal Declaration of human right

^۳ International convention on economic, social and cultural rights (۱۹۶۶)

^۴ International convention on the elimination of all forms of racial discrimination (۱۹۶۵)

^۵ Convention concerning Minimum Standards of Social Security ۱۹۵۲ (no ۱۰۲)

^۶ Invalidity, Old-Age and Survivors' Benefits Convention, ۱۹۶۷ (No. ۱۲۸)

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۲۵

بشر مصوب ۱۹۹۰ اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره و ...؛ همگی به برابری انسان ها تاکید کرده اند. با توجه به این اسناد مبرهن است که برخورداری از حقوق در مورد زنان و مردان به صورت یکسان قابل اعمال و اجرا است؛ (رهوری، ۱۳۸۵: ۸۷) و حقوق زنان و برابری آنها با مردان و گاهها توجه به شرایط خاص آنها و اعمال حمایت هایی بیشتر، از مهمترین دغدغه های حقوق بشری می باشد. در راستای حمایت از زنان، وضعیت مالی آنها در دوران سالمندی که جز آسیب پذیرترین افراد جامعه محسوب می شوند و همینطور بهره وری آنها از مزایای مستمری بازنشستگی ثالث، از مهمترین مسائلی است که برای کاهش فقر در جوامع باید بدان توجه وافر نمود و حمایت های مناسبی برای این اقشار تعبیه کرد. پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این پرسش است که برای زنان در حیطه بازنشستگی چه حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده است و دولت ها چه تدابیری را اتخاذ نموده اند. از آنجا که امریکا یکی از کشورهایی است که مدعی رعایت کامل حقوق بشر می باشد، مطالعه تطبیقی با این کشور موجب می گردد تا با توجه به معیارهای حمایتی در ایران، بتوان نقاط ضعف و قوت نظام تامین اجتماعی ایران در حیطه بازنشستگی برای زنان را با کشوری ارزیابی نمود که خود را از سردمداران رعایت حقوق بشر بالاخص در حوزه زنان می داند. در نتیجه ارزیابی با کشوری که در رده بالایی از نظر رعایت حقوق بشر می باشد، باعث نمایان شدن هر چه بیشتر ایرادات و نقاط ضعف و قوت ایران در حمایت از زنان می گردد.

۱. مستمری بازنشستگی زنان

در صورت اشتغال زنان، آنان نیز همچون مردان می توانند از تمامی مزایای تامین اجتماعی از جمله مستمری بازنشستگی در سنین سالمندی با توجه به برابری نسبی شرایط بازنشستگی بهره مند گردند. این موضوع خود از نتایج مبارزات صورت گرفته جهت برابری حقوق زنان با مردان می باشد و از معیارهای مهم در بازنشستگی و پرداخت مستمری بازنشستگی، سن فرد است. سن مقرر برای بازنشستگی سنی است

^۷ این اعلامیه مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زنان (۱۹۹۵) می باشد که در آن دولت ها متعهد شدند نظام های تامین اجتماعی را در مناطقی که این نظام وجود ندارد ایجاد نمایند و در نظام هایی که تبعیض جنسیتی وجود دارد با هدف برابری زنان و مردان در برخورداری از حمایت های تامین اجتماعی تجدیدنظر کنند.

۲۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

که در آن اشخاص به طور معمول از انجام کار موثر به خاطر بیماری یا ناتوانی محسوس و بیکاری احتمالی که ممکن است دائمی شود ناتوان می‌شوند. (رشوند، ۱۳۸۵: ۵۴) مستمری بازنشستگی از سن بازنشستگی تا زمانی که شخص در قید حیات است، به شخص پرداخت شده و به نوعی تعیین کننده وضعیت مالی فرد در دوران سالمندی محسوب می‌شود. جهت جلوگیری از فقر جامعه تعیین میزان این مستمری بسیار حائز اهمیت است.

۱-۱. سن بازنشستگی در زنان

در تعیین اینکه شخص بازنشسته محسوب می‌شود یا خیر، یکی از معیارها، سن می‌باشد. با توجه به نظام های پرداخت مستمری، این سن می‌تواند از اهمیت بیشتری نیز برخوردار باشد. برای مثال در کشورهایی که نظام پرداخت مزایای معین^۸ را در حیطه بازنشستگی اعمال می‌کنند، صرفاً سال های خدمت است که اهمیت دارد و با تکمیل سال ها خدمت، با هر سنی، امکان بازنشستگی وجود دارد. علاوه بر آنان در نظام هایی که مبتنی بر حق بیمه معین^۹ است، هر چه تعداد سال های پرداخت حق بیمه، بیشتر باشد، مستمری بیشتری به شخص تعلق خواهد گرفت، در نتیجه سن بازنشستگی بالاتر در نظر گرفته می‌شود. امریکا در حال حاضر سن بازنشستگی^{۱۰} ۶۶ سال را برای دریافت مستمری بازنشستگی در نظر گرفته است. (SSPTW، ۲۰۱۶: ۲۱۱) این کشور با توجه به روند افزایش امید به زندگی، سن بازنشستگی را نیز افزایش می‌دهد. (Quadagno، ۱۹۹۸: ۵۶) به نحوی که تدریجاً هر سال حدوداً ۲ ماه به آن اضافه خواهد شد تا در سال ۲۰۲۷ به ۶۷ سال برسد^{۱۱}. در صورتی که شخص بخواهد زودتر از موعد بازنشسته شود، سن بازنشستگی به ۶۲ سال تقلیل می‌یابد که در این حالت شخص از ۸۰ درصد مزایا می‌تواند استفاده نماید^{۱۲}. نهایت سنی که شخص در امریکا می‌تواند مشغول به کار باشد نیز ۷۰ سال است.

^۸ Defined Benefits=DB

^۹ Defined Contribution (DC)

^{۱۰} برای متولدین سال های ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۴.

^{۱۱} برای متولدین سال ۱۹۶۰ به بعد سن بازنشستگی ۶۷ سال است.

^{۱۲} <http://www.tradingeconomics.com/United-states/retirement-age-men>, time: ۱۲ may ۲۰۱۷

What is the Social Security Retirement Age?, national academy of social insurance, <https://www.nasi.org/learn/socialsecurity/retirement-age>, time: ۱۲ may ۲۰۱۷

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۲۷

در این کشور تفاوتی بین زن و مرد در سن بازنشستگی وجود ندارد. طبق آخرین گزارش آماری ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ امید به زندگی در زنان ۸۱،۲ و در مردان ۷۶،۴ بوده است^{۱۳} و طبق آمار گروه تحقیقاتی بررسی امید به زندگی در دنیا، در سال ۲۰۱۵ این سن به ۸۱،۶ برای زنان و ۷۶،۹ برای مردان افزایش یافته است^{۱۴}. متوسط سالی که انتظار می رود زنان آمریکا بعد از ۶۵ سال زندگی کنند، ۱۹،۳ تا ۲۰،۵ سال است و در مورد مردان ۱۷،۹ سال است^{۱۵}. با وجود بیشتر بودن امید به زندگی در زنان، سن بازنشستگی در هر دو برابر است. این برابری سن بازنشستگی در زنان و مردان با توجه به نظام پرداخت مستمری در امریکا که با توجه به میزان پرداخت حق بیمه اشخاص و مشارکت آنها در طرح های خصوصی با توجه به همین میزان پرداخت حق بیمه صورت می پذیرد، اقدامی در جهت حمایت از حقوق زنان می باشد. چرا که در این حالت که مستمری بازنشستگی بسته به میزان پرداخت حق بیمه است، سال های پرداخت حق بیمه یکی از موارد بسیار تاثیرگذار در تعیین میزان مستمری است. اگر سن بازنشستگی زنان کمتر از مردان در نظر گرفته می شد، این امر به نوعی اجحافی در حق زنان بود، چرا که موجب می گشت تا سال های پرداخت حق بیمه آنها کاهش یافته و در نتیجه میزان مستمری کمتری در زمان بازنشستگی عایدشان گردد. از طرفی برابر بودن سن بازنشستگی زنان و مردان به علت بالاتر بودن امید به زندگی، بعضاً ممکن است موجب شود، مستمری حاصل از پرداخت حق بیمه های بازنشستگی مجرد، در طول مدت حیات وی، کفاف تامین زندگی وی را به نحو مطلوب ندهد و در این صورت زنان بازنشسته به علت عدم کفایت مستمری بازنشستگیشان در نزدیکی خط فقر قرار می گیرند. علیرغم امریکا، در ایران بین سن بازنشستگی زنان و مردان تفاوت قائل شده اند و با وجود حیات طولانی تر زنان، سن بازنشستگی زنان را کمتر از مردان در نظر گرفته اند، چرا که میل و قدرت کار و فعالیت زنان زودتر از مردان از دست می رود. (مجتهدی، ۱۳۹۱: ۱۵۳) در توجیه اقتصادی این موضوع کمتر بودن احتمال بر جای گذاشتن افراد تحت تکفل که در آینده مستمری بازماندگان را مطالبه می کنند نیز عنوان شده است. (۹۱: LSS، ۱۹۷۰)

^{۱۳} United States Life Tables, ۲۰۱۳, on <http://europecmc.org/abstract/MED/۲۸۴۳۷۲۴۱>, time:

^{۱۴} United States Life Tables, ۲۰۱۳, on <http://europecmc.org/abstract/MED/۲۸۴۳۷۲۴۱>, time:

^{۱۵} Life expectancy in the USA hits a record high, Larry Copeland, USA TODAY, Published Oct. ۸, ۲۰۱۴, on <https://www.usatoday.com/story/news/nation/۲۰۱۴/۱۰/۰۸/۲۰۱۴/us-life-expectancy-hits-record-high/۱۶۸۷۴۰۳۹/>, time ۱۱ may. ۲۰۱۷

۲۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

در ایران سن بازنشستگی زنان ۵۵ سال است که در حالت بازنشستگی زودتر از موعد این سن به ۴۵ سالگی تقلیل می‌یابد، در حالی که امید به زندگی زنان در سال ۲۰۱۵ طبق گزارش آماری گروه تحقیقاتی بررسی امید به زندگی در دنیا، ۷۶٫۶ است و امید به زندگی در مردان ۷۴٫۵ می‌باشد^{۱۶}. این تفاوت سن بازنشستگی زنان و مردان در ایران به نوعی حمایت از زنان است. علت آن را می‌توان در نظام پرداخت ایران یافت چرا که نظام پرداخت مستمری در ایران نظام مزایای معین است، که سابقه پرداخت حق بیمه اهمیت دارد، نه میزان آن. در این حالت زنان با داشتن سن کمتر می‌توانند در همان شرایط و با همان میزان حقوق بازنشستگی که مردان به دست می‌آورند، زودتر بازنشسته گردند و از مزایای بازنشستگی استفاده نمایند. در امریکا و ایران علاوه بر تفاوتی که وجود دارد در تساوی و یا تفاوت سن بازنشستگی زنان و مردان، هر دو حالت با توجه به تفاوت نظام‌های پرداخت مستمری در این دو کشور، اقدامی در جهت تامین هر چه بیشتر حقوق زنان می‌باشد و نتیجه هر دوی آنها حمایت هر چه بیشتر از زنان جامعه می‌باشد.

۲-۱. محاسبه مستمری بازنشستگی

میزان مستمری هر بازنشسته با توجه به نظام بازنشستگی مربوطه، قابل محاسبه است. طبق این نظام‌ها، میزان مستمری بدون توجه به جنسیت افراد محاسبه می‌گردد که این عدم تبعیض جنسیتی به نوعی حمایت از زنان در سنین سالمندی است. ولیکن، به طور غیر مستقیم، در صورت کم بودن میزان درآمد زنان نسبت به مردان در زمان اشتغال، این نابرابری در میزان درآمد زمان اشتغال به مستمری بازنشستگی نیز سرایت خواهد کرد و همین امر به گونه‌ای موجب نابرابری در مستمری بازنشستگی زنان نسبت به مردان، با وجود نظام پرداخت و محاسبه یکسان است. در امریکا برنامه‌های بازنشستگی مختلفی وجود دارد که بسته به مورد واجد شرایط حمایتی یا بیمه‌ای هستند. اکثر این برنامه‌ها مربوط به بخش خصوصی و برنامه‌های کارفرما هستند که مبتنی بر نظام پرداخت حق بیمه معین می‌باشند. (واحد مطالعات و تحقیقات بیمه ای، ۱۳۸۷: ۶) در این نظام حق بیمه افراد به صورت فنی مشخص می‌گردد، اما مقدار مستمری از قبل تعهد نمی‌شود؛ بلکه مستمری قابل پرداخت به هر فرد در زمان واجد

^{۱۶} <http://www.worldlifeexpectancy.com/country-health-profile/iran>, time: : ۱۲ may ۲۰۱۷

شرایط شدن، کاملاً به وجوه اندوخته شده، با احتساب سود و زیان و کسر هزینه های اداری صندوق بستگی خواهد داشت^{۱۷}. (گرچی پور، ۱۳۹۵: ۵۸) در نظام حق بیمه معین هر شخص شاغل می بایست حق بیمه ای را که مشخص می شود، پرداخت نماید. با حق بیمه های پرداختی شخص سرمایه گذاری شده و در زمان بازنشستگی با توجه به میزان سود حاصله از این سرمایه گذاری و با توجه به نرخ تورم، میزان مستمری وی محاسبه می گردد. در این صورت در محاسبه مستمری بازنشستگی تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد و مستمری هر دو با یک مکانیسم محاسبه می گردد. (۲۰۴: SSPTW: The Americas, ۲۰۱۵) فقط در صورتی که حقوق زمان اشتغال زنان به علت نابرابری های اجتماعی و شغلی، کمتر از مردان باشد، این امر موجب می گردد که درصد حق بیمه پرداختی مبلغ کمتری باشد و در نتیجه در میزان مستمری این امر تاثیر گذار خواهد بود. در ایران نیز برنامه بازنشستگی بر مبنای مزایای معین است. در این نظام پرداخت، مستمری با فرمول از قبل تعیین شده ای که تابعی از آخرین حقوق دوران اشتغال فرد و سابقه خدمت وی است، محاسبه می گردد. (موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ۱۳۹۵: ۹۰) این فرمول معمولاً تابع نرخ تورم است و با توجه به نرخ تورم امکان تغییر آن وجود دارد. در این نظام سطح معینی از مستمری ها که معمولاً متناسب با دستمزد های زمان اشتغال فرد بیمه شده است، برای همه بیمه شدگان واجد شرایط تعهد می شود. (گرچی پور، ۱۳۹۵: ۵۸) این نرخ کسور حق بیمه برای تمام بیمه شدگان در یک نظام بازنشستگی در بیشتر موارد یکسان است. در نظام پرداخت ایران نیز تفاوتی بین جنسیت در محاسبه مستمری بازنشستگی وجود ندارد؛ ولیکن همانطور که بیان شد، در صورت تبعیض در میزان حقوق زمان اشتغال زنان و مردان، این امر تبعات خود را در میزان مستمری بازنشستگی در پی خواهد داشت و به طور ناخواسته موجب نابرابری در این امر می گردد. برای جلوگیری از این نابرابری می بایست تمهیدات لازم جهت برابری حقوق زنان و مردان در مقابل شرایط کاری یکسان برقرار گردد. در صورت اعمال این برابری، علاوه بر اینکه زنان شاغل مورد حمایت قرار می گیرند و در مقابل کار یکسان درآمد یکسانی نسبت به مردان خواهند داشت، تبعات آن نیز بر مستمری بازنشستگی آنها بار خواهد شد و این موضوع باعث افزایش رفاه زنان

^{۱۷} اسناد سیاسی تامین اجتماعی چندلایه کشور، اسماعیل گرچی پور، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، تهران، ۱۳۹۵، ص ۵۸.

۳۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

در جوامع می‌گردد. علاوه بر آن برابری در این حوزه موجب می‌شود در صورتی که زنی سرپرست خانوار باشد، آن خانواده از لحاظ مالی در مضیقه قرار نگیرند چرا که مستمری ای را دریافت خواهند داشت که در صورت سرپرست بودن مرد، خانوار از آن برخوردار می‌شد. فلذا جهت برابری هر چه بیشتر حقوق زنان و مردان در حیطه مستمری بازنشستگی شایسته است که از پایه برابری درآمد بین زنان و مردان ایجاد شود تا نهایتاً آثار این یکسانی درآمد در زمان اشتغال، در دوران سالمندی و در مستمری بازنشستگی هویدا گردد. در حال حاضر متاسفانه حدود سه چهارم جمعیت فقراي سالمند امریکا را زنان تشکیل می‌دهند (Harrington Meyer, ۱۹۹۰: ۵۵۱) و یکی از علل آن می‌تواند تبعات ناشی از نابرابری در حقوق زمان اشتغال زنان و مردان باشد که باعث می‌گردد در دوران بازنشستگی زنان در مضیقه بیشتری قرار گیرند.

۲. مستمری بازنشستگی ثالث

مردها به علت شرایط جسمی و قوای جسمانی از دیرباز به عنوان متکفل امور مالی خانواده مطرح بوده‌اند و در تمامی کشورها حتی اگر به عنوان قانون، مدون نشده باشد، به عنوان سرپرست امور خانوار و امور مالی در عرف جهانی شناخته شده هستند. فلذا از زمانی که تصمیم به تشکیل زندگی مشترک با شخصی می‌گیرند عرف مسلم جهانی و گاه قوانین مدون، آنها را ملزم به تعبیه وسایل رفاهی زندگی و تامین مسائل مادی و معیشتی می‌نماید. در ایران زندگی مشترک در قالب ازدواج مورد حمایت قرار گرفته است؛ ولیکن در امریکا زندگی مشترک دو شخص بدون ادای موجبات قانونی مراسم ازدواج نیز پذیرفته شده است. در این صورت دو نفر پارتنر محسوب شده و به صورت رسمی در مراجع قانونی ازدواج نکرده‌اند ولیکن با شرایطی از برخی مزایای ازدواج برخوردارند که یکی از این مزایا همان تامین معیشت و هزینه زندگی توسط مرد می‌باشد. در صورتی که مردی دارای همسر یا پارتنر باشد می‌بایست هزینه زندگی او را نیز تامین نماید. علاوه بر آن اگر شخص دارای فرزند نیز باشد، تامین هزینه‌های فرزندان نیز تا سن خاص و طبق شرایط مشخصی بر عهده وی می‌باشد و در صورتی که فرزندی دارای مشکلات جسمی و ذهنی باشد، این حمایت مالی خانواده تا زمان حیات فرزند پابرجا خواهد بود. در هر کدام از این حالات، میزان مستمری بازنشستگی شخص متفاوت است. این اضافه مستمری همسر یا اولاد به عنوان بهره‌وری مطرح می‌باشد.

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۳۱

در نتیجه می توان حمایت هایی که از زنان به عنوان همسر یا فرزند در حیطه بهره وری مستمری صورت می پذیرد را تحت دو عنوان کمک هزینه همسر و کمک هزینه اولاد مورد بررسی قرار داد.

۲-۱. کمک هزینه همسر

بازنشسته ای که متکفل امور مالی همسر و پارتنر خود می باشد موظف به تامین حداقل های زندگی وی است. در این راستا پرداخت مستمری ای که کفاف زندگی یک شخص را در جامعه دهد مسلما برای این شخص مکفی نبوده و وی را در جرگه فقرای جامعه قرار خواهد داد. بدین منظور در تعیین مستمری بازنشستگی حتما می بایست به این موضوع توجه شود که آیا بازنشسته دارای همسر یا پارتنر می باشد یا خیر. چرا که در صورت وجود پارتنر می بایست مزایایی بیشتر به بازنشسته بابت همسر یا پارتنر وی تعلق گیرد. پرداخت این کمک هزینه به نحوی حمایت از سالمندان است که خود و خانوادیشان در سالمندی از زندگی آبرومندی برخوردار باشند. همانطور که در اعلامیه فیلادلفیا، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون اروپایی مساعدت درمانی و اجتماعی^{۱۸}، منشور اجتماعی اروپا^{۱۹}، اعلامیه اسلامی حقوق بشر این امر به وضوح بیان شده است. این کمک هزینه و بهره وری در امریکا تحت عنوان مستمری همسری و در ایران تحت عنوان کمک هزینه عائله مندی مطرح می شود.

۲-۱-۱. مستمری همسری

تامین اجتماعی امریکا برای همسران بازنشستگان مزایایی را مقرر نموده است که به آن مستمری همسری گفته می شود. مستمری همسری برابر ۵۰ درصد مستمری کارگر بازنشسته است. با توجه به اینکه نظام بازنشستگی در امریکا در مراحل طبق حق بیمه های پرداختی شخص مشخص می گردد، این مزایا نیز تا زمانی قابل دریافت است که خود شخص مزایایش را دریافت دارد. (جوان جعفری، ۱۳۸۶: ۶۶) مستمری همسری به صورت مستقل به همسران بازنشستگان در سن ۶۲ سالگی تعلق می گیرد.

^{۱۸} European convention on social and medical assistance (۱۹۵۳)
^{۱۹} European social charter

۳۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

این مستمری به نوعی حمایت از زنان جامعه محسوب می‌شود چرا که آنان بدین طریق از مستمری ای مستقل برخوردار می‌گردند. گاهی مستمری بازنشستگی بیمه شده کفاف زندگی دو نفر را نمی‌دهد، به همین علت مستمری همسری در این افراد بسیار کمک‌کننده خواهد بود. در استحقاق مستمری همسری احراز عدم ملائت شرط نیست و در صورتی که زنی خود مستمری بگیر باشد نیز استحقاق دریافت مستمری همسری وی ساقط نمی‌گردد. مستمری بگیرانی که به همراه مستمری بازنشستگی خودشان بخشی از مستمری همسری را دریافت می‌دارند، در این حالت استحقاق دوگانه می‌یابند و در این صورت بالاترین رقم مستمری کارگری را دریافت خواهند نمود.

مستمری همسری علاوه به همسر قانونی به پارتنر^{۲۰} نیز پرداخت می‌گردد. این امر خود به نوعی حمایت کاملی از زنانی است که به علت مسائل فرهنگی و اجتماعی به صورت قانونی به عقد ازدواج مردی در نیامده‌اند ولیکن سال‌های زیادی را با مردی زندگی نموده‌اند و گاهی از این زندگی صاحب فرزندان شده‌اند. به این علت که این سبک زندگی در امریکا پذیرفته شده است و منع قانونی ای برای آن وجود ندارد، دولت نیز برای حمایت از زنان در این راستا مستمری همسری را به پارتنر نیز تعمیم داده است. در این راستا مستمری همسری فقط به همسر قانونی شخص تعلق نداشته و پارتنر نیز از آن بهره‌مند می‌گردد. برای سبک زندگی ای که گاهی در امریکا معمول است، مزایایی برای حمایت از زنان در نظر گرفته شده تا آنان نیز بتوانند از این حق استفاده نمایند و در این مورد، مزایای همسر قانونی، برای آنان در نظر گرفته می‌شود. هدف مقنن در این حالت، حمایت از خانواده و مبارزه با فقر است.

گاهی ممکن است همسر یا پارتنر وسیله امرار معاشی جز حقوق بیمه شده نداشته باشد و در دوران بازنشستگی نیز با مستمری بازنشستگی بیمه شده، امرار معاش نماید. در این صورت اگر طرفین به توافق برای ادامه زندگی نرسند، و از هم جدا شوند، این موضوع باعث می‌شود که پارتنر یا همسر بعد از جدایی به علت نداشتن ممر درآمد با مشکلات عدیده ای برخورد نماید و یا حتی این احتمال وجود دارد که در صورت ادامه زندگی مشترک، دچار صدمات روحی و جسمی گردیده و صرفاً به علت مسائل و مشکلات مالی، توان جدایی از شخص را نداشته باشد و یا اینکه بیمه شده یا بازنشسته

^{۲۰} زوج پارتنر افرادی هستند که بر پایه ازدواج سفید و بدون تشریفات قانونی ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند.

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۳۳

به خاطر اینکه همسر یا پارتنرش ممر درآمدی ندارد از سر انسان دوستی و بالاجبار به زندگی با او را ادامه دهد؛ ولی این اوامر باعث ورود زیان های روانی بیشتری به افراد خواهد شد آنهم در سنی که اشخاص به توجهات بیشتری نیازمندند. به همین خاطر مستمری همسری در امریکا به همسران مطلقه شخص بازنشسته نیز تعلق می گیرد.

تعلق مستمری همسری به همسر، پارتنر و همسر مطلقه بیمه شده^{۲۱}، اقدامی است در جهت حمایت مالی از زنان؛ و پیش بینی این موضوع در نظام بازنشستگی موجب کاهش فقر در جامعه می گردد. از طرفی پرداخت این مستمری به همسر مطلقه خود گامی بزرگ در جهت حفظ حق آزادی انتخاب افراد و کمک به شرایط روحی زنان می باشد، بدین صورت که مسائل مالی دلیلی برای تحمل وضع سخت زندگی نباشد^{۲۲}.

این امر مصداق اعلامیه فیلادلفیا است که بیان می دارد هر شخصی حق دارد پیشرفت مادی و شکوفایی معنوی اش را آزادانه و با برخورداری از کرامت انسانی و نیز تمتع از امنیت اقتصادی با فرصت برابر دنبال کند. در اعلامیه حقوق بشر احترام به آزادی های شخص و تامین مالی آنها مدنظر قرار گرفته است. در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و منشور اجتماعی اروپا و کنوانسیون اروپایی مساعدت درمانی و اجتماعی و اعلامیه آمریکای حقوق و تکالیف انسان، نیز حق زندگی آزاد و آبرومند از حقوق ذاتی انسان ها دانسته شده است. مستمری همسری در مورد زنان مطلقه، در جهت رعایت حقوق زنان و حق آزادی و برخورداری از زندگی آزاد می باشد.

البته در مورد تعلق مستمری همسری به زنان شرایطی وجود دارد که باعث می شود واجد شرایط دریافت مستمری همسری گردد. (M.O'Rand، ۲۰۰۲: ۱۱) از جمله آن می توان به سن ۶۲ سالگی برای زنان اشاره نمود. علاوه بر آن در صورت مطلقه بودن

^{۲۱} <http://www.pensionrights.org/publications/fact-sheet/pension-rights-after-divorce>

^{۲۲} البته در این مورد، مخالفانی وجود دارند که اعلام می دارند مستمری همسری برای زنان مطلقه، باید تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق خواهد شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

۱) Holmlund, Bertil; Ohlsson, Henry; Erling Steigum. (۲۰۰۱). "Intergenerational Transfers, Taxes and the Distribution of Wealth", The Scandinavian Journal of Economics, Vol. ۱۰۳, N. ۳.

۲) Ono, Hiromi; Stafford, Frank. (۲۰۰۱). "Till Death Do Us Part or I Get My Pension? Wives' Pension Holding and Marital Dissolution in the United States", The Scandinavian Journal of Economics, Vol. ۱۰۳, No. ۳.

۳۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

زن، به شرطی که زندگی مشترک وی با بیمه شونده ده سال به طول انجامیده باشد (جوان جعفری، ۱۳۸۶: ۶۷)، وی مستحق دریافت مستمری همسری خواهد بود. با توجه به این موضوع که حدود دو سوم افرادی که از مزایای OASDI^{۲۳} تامین اجتماعی استفاده می‌کنند، سالمندان بالای ۶۵ سال هستند (۲۴۹: ۱۹۶۹، D. Campbell) می‌توان نتیجه گرفت که اکثر زنان سالمند امریکایی مورد حمایت مالی قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۲. کمک هزینه عائله مندی

در ایران مستمری بازنشستگی بدون توجه به وضعیت خانوادگی فرد در نظر گرفته می‌شود؛ مستمری پایه تعیین شده و در صورتی که شخص متاهل باشد، کمک هزینه عائله مندی به وی تعلق می‌گیرد. همانطور که در صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تامین اجتماعی، این روال حاکم است و با توجه به نظام پرداخت مزایای معین، حداقل حقوق با توجه به حقوق پایه شخص در زمان اشتغال و میزان سال‌های اشتغال وی با ضریب مشخصی محاسبه شده و برای تمام افراد اعم از مجرد و متاهل این فرمول صادق است. حال در صورتی که شخصی متاهل باشد، علاوه بر این مستمری پایه، مبلغی به عنوان عائله مندی به وی پرداخت می‌گردد. محاسبه مستمری بدین شکل گاهی موجب بی‌عدالتی خواهد شد، چرا که کمک هزینه عائله مندی مبلغ قابل توجهی که بتواند هزینه‌های یک شخص را برطرف نماید نبوده و در نتیجه، با حداقل حقوق مستمری که در حال حاضر به اکثر بازنشستگان پرداخت می‌گردد، به سختی امورات دو نفر مرتفع می‌شود، در حالی که این میزان برای فردی که به تنهایی زندگی می‌کند، ممکن است بیش از میزان لازم باشد. متأسفانه در سال‌های اخیر به علت نرخ بالای تورم، همین میزان مستمری پرداختی به اشخاص، گاهی با توجه به بیماری‌های افراد در سنین بالا و هزینه‌های بالای درمانی کفاف هزینه‌های یک نفر را نیز نمی‌دهد.

در مورد مشمولین صندوق بازنشستگی کشوری طبق بند ۱ ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ "به مستخدمین مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر دائم می‌باشند ماهیانه معادل پنجاه درصد (۵۰٪) حداقل حقوق مبنای جدول موضوع ماده ۱ این قانون به عنوان کمک هزینه عائله‌مند می‌تعلق می‌گیرد." متأسفانه در سازمان تامین اجتماعی از

^{۲۳} Old Age, Survivor and Disability Insurance(OASDI)

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۳۵

۱۳۷۱/۱/۱ کمک هزینه عائله مندی به بازنشستگان تعلق گرفت. پیش از آن این کمک هزینه فقط به شاغلین پرداخت می شد (جعفری، زهرا، ۱۳۸۶: ۲۳)، و این موضوع افراد را در مضیقه مالی قرار می داد و به نوعی علیه زنان جامعه بود. نهایتاً در سال ۷۱ در بند دوم مصوبه هیات وزیران با موضوع "مستمری های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و جزئی، بازماندگان، هزینه های عائله مندی و اولاد، پرداخت عیدی، تعیین حداقل مستمری های مشمولین قانون تامین اجتماعی" مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۱۱ مقرر شد: "به منظور جبران قسمتی از افزایش هزینه های موضوع ماده فوق الذکر و نیز ایجاد یکسانی و هماهنگی بین مستمری بگیران مشمول قانون تامین اجتماعی (به استثنای دریافت کنندگان مستمری از کار افتادگی جزئی) عیناً همانند مشمولان قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی و آئین نامه اجرائی آن خواهد بود."

نکته قابل توجه دیگر در ایران این است که به دلیل فرهنگ اسلامی، صرفاً شخصی که طی عقد ازدواج دائم همسر قانونی شخص شده است، به عنوان همسر شناخته و به وی کمک هزینه عائله مندی پرداخت می گردد و به افرادی که به عنوان همسر موقت طی عقد ازدواج موقت به همسری شخص درآمده باشند، هیچ گونه مستمری ای پرداخت نمی گردد. چرا که طبق مواد قانون مدنی در ایران همسر موقت مشمول نفقه نخواهد شد مگر اینکه خود شخص پرداخت نفقه را بر عهده گیرد. همانطور که مشخص است دولت صرفاً تعهدات قانونی اشخاص را پوشش می دهد همچون پرداخت نفقه همسر دائمی و به تعهداتی که شخص خود بر عهده می گیرد، ترتیب اثر نمی دهد. در نتیجه کمک هزینه عائله مندی در تمامی صندوق های بازنشستگی ایران صرفاً به همسر دائمی پرداخت می شود نه همسر موقت و یا پارتنر. این امر به نوعی تبعیض در میان خود زنان است؛ زنانی که با عقد ازدواج موقت به همسری شخصی در می آیند از طرف دولت، هیچ حمایت مالی ای برای آنها در نظر گرفته نمی شود و این زنان حتی در صورتی که به عقد ازدواج موقت ۹۹ ساله مردی نیز درآیند، باز هیچ حمایتی از نظر تامین اجتماعی و پرداخت مستمری عائله مندی به آنها صورت نمی پذیرد و این موضوع به نوعی اجحاف بزرگی در بین جامعه زنان است. چرا که بین خود زنان، از نظر حقوق بشری، وجود تبعیض پذیرفته نیست. تمامی انسان ها از کرامت انسانی مساوی برخوردارند و هنگامی که ایران خود، ازدواج موقت را قانونی

۳۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

دانسته است، می‌بایست از زنان تحت لقای آن نیز حمایت کند. آنها تحت نظارت دولت و با توجه به جواز قانونی، به عقد ازدواج موقت درآمدی است و شایسته است حمایت‌های مالی مقتضی نیز از این زنان با توجه به شرایط خاصی مثل طول مدت ازدواج، پیش‌بینی شود.

نکته‌ای که لازم است بدان اشاره گردد، این امر است که در صورتی که بازنشسته‌ای دارای چند همسر دائم باشد، در مجموع بابت یک همسر کمک هزینه‌عائله‌مندی به او تعلق می‌گیرد و پرداخت کمک هزینه‌مزبور بابت چند همسر وجهی ندارد، که این امر نیز به نوعی قرار دادن خانواده‌های چند همسری در مضیقه می‌باشد، چرا که با وجود تعداد بیشتر همسران، صرفاً به اندازه یک نفر به آنها کمک هزینه‌عائله‌مندی تعلق می‌گیرد. این موضوع نیز، مجدداً اقدامی در جهت تبعیض در میان قشر زنان است. چند همسری نیز در ایران پذیرفته شده است و قانونگذار با توجه به سبقه اسلامی ایران، چند همسری را مورد حمایت قرار داده است. در نتیجه می‌بایست از همسران مرد نیز حمایت کند. به هنگام تدوین قوانین می‌بایست، به صورت همه‌جانبه مسائل در نظر گرفته شود. هنگامی که چند همسری تجویز می‌شود، می‌بایست در کنارش، حمایت‌هایی نیز از این همسران صورت پذیرد که یکی از آنها همین حمایت‌های تأمین اجتماعی در مستمری‌بازنشستگی است.

در رابطه با بازنشسته‌ای که همسرش طلاق گرفته و هیچ شغلی نداشته است نیز این مشکل پیش می‌آید که این همسر مطلقه تا به حال هیچ ممر درآمدی نداشته و به علت زندگی با بیمه‌شده امورات مالی خود را می‌گذرانده است و اکنون به خاطر طلاق بدون منبع درآمد است. به علت اینکه متعاقباً او نیز در سن بالایی به سر می‌رود و امکان اشتغال به کاری که به عنوان ممر درآمد او محسوب شود و حداقل‌های زندگی‌اش را تأمین نماید، بسیار سخت و مشکل است. به همین علت می‌بایست برای کنترل فقر جامعه، این اشخاص نیز مورد حمایت قرار گیرند. چرا که به خاطر فشارهای روانی وارده در زندگی راضی به طلاق شده‌اند و این دور از انصاف است که شخصی به خاطر مسائل مالی مجبور به تحمل شکنجه‌های روحی گردد و یا برای فرار از این شکنجه‌های روحی با مشکلات مالی و فقر روبرو گردد.

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۳۷

همانطور که بیان شد در نظام بازنشستگی ایران در صورتی مزایای بازنشستگی به همسر پرداخت می نماید که اولاد با عقد ازدواج دائم به همسری وی درآمده باشد و ثانیاً این ازواج به جدایی ختم نشده باشد. در صورتی که هر کدام از این شروط را نداشته باشد، مستمری عائله مندی به وی پرداخت نمی شود، که در این رابطه می بایست در جهت حمایت از زنان، تمهیداتی پیش بینی شود، تا در صورتی که افراد بعد از زمان طولانی زندگی از یکدیگر جدا شدند، زن از لحاظ مالی تامین باشد و یا در صورتی که با ازدواج موقت برای سال های طولانی به عقد شخصی درآمد حمایت مالی از وی دریغ نشود و در صورتی که چندمین همسر مردی بود، به او نیز همچون سایر زنان کمک عائله مندی پرداخت شود.

۲-۲. کمک هزینه اولاد

در امریکا بین دختران و پسران در برخورداری از مستمری بازنشستگی پدر، تفاوتی وجود ندارد. به دختران زیر ۱۸ سال بدون قید و شرط و در صورت اشتغال به تحصیل تمام وقت تا ۲۵ سالگی و در صورت از کارافتادگی کامل، تا آخر عمر، کمک هزینه اولاد پرداخت می باشد. افزایش سن برخورداری از مستمری بازنشستگی در صورت اشتغال به تحصیل، امری است در جهت حمایت هر چه بیشتر از زنان و دختران جامعه و از طرفی کمک به سطح علمی کشور است؛ تا افراد بدون دغدغه مالی بتوانند به تحصیل ادامه دهند. در صورتی که دختری قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نمایند دیگر شرایط استفاده از کمک هزینه اولاد را نخواهد داشت، چرا که با ازدواج از تحت تکفل پدر خارج می گردد. حالت دیگری که مدت زمان پرداخت کمک هزینه اولاد افزایش می باید، در صورتی است که فرزند بازنشسته قبل از رسیدن به سن ۲۲ سالگی دچار معلولیت شود، در این حالت پرداخت کمک هزینه اولاد تا زمان بهبودی وی ادامه خواهد یافت. (۲۱۱: ۲۰۱۵، SSPTW) در ایران بین دختران و پسران در سن تعلق کمک هزینه اولاد تفاوت جنسیتی قائل شده اند. کمک هزینه اولاد تا دو فرزند پرداخت می شود و آن نیز طبق ماده ۸۶ قانون تامین اجتماعی معادل سه برابر حداقل دستمزد روزانه کارگر ساده در ماه است. برای دختران و پسران سن ۱۸ سالگی برای کمک هزینه اولاد در نظر گرفته شده است، که در صورتی که محصل بوده و شاغل نباشند، این سن تا ۲۵ سال افزایش خواهد یافت. در صورتی که فرزند دختر باشد، شاغل نبوده

۳۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

و ازدواج نکرده باشد تا زمان ازدواج از این کمک هزینه می‌تواند بهره‌مند گردد. قطع کمک هزینه اولاد به علت اشتغال بدین جهت است که در واقع مبنا و فلسفه وجودی کمک هزینه اولاد را نسبت به وی منتفی می‌سازد، از این رو می‌توان گفت که اشتغال فرزند دختر به نحوی که قادر به تامین هزینه زندگی خویش باشد، مانع استحقاق پدر نسبت به کمک هزینه اولاد در مورد وی خواهد شد. (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

در قانون نظام هماهنگ پرداخت که در مورد بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری است در بند ۲ ماده ۹ سن فرزندان را ۲۰ سال در نظر گرفته است و در صورت محصل بودن این سن تا ۲۵ سال افزایش خواهد یافت و در صورت اناث بودن نیز تا زمان ازدواج ادامه می‌یابد. در قانون نظام هماهنگ پرداخت برای هر فرزند حدود ۱۰ درصد حداقل حقوق مبنای به عنوان کمک هزینه اولاد در نظر گرفته شده است که به سه اولاد تعلق خواهد گرفت. از طرفی اگر فرزند طبق ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی به علت بیماری و نقص عضو طبق گواهی پزشکی قانونی از کار افتاده باشد، بدون شرایط سنی از کمک هزینه عائله مندی برخوردار خواهند بود.

در ایران دختر در صورتی از کمک هزینه اولاد برخوردار است که فرزند مشروع باشد. چرا که نسب نامشروع طفل طبیعی از نظر نظم عمومی قابل پذیرش نیست. لذا فرزند طبیعی نه فرزند پدر و مادر خود می‌باشد و نه در حکم فرزند است و نظم عمومی نیز مانع بزرگی برای پذیرش این امر محسوب می‌شود. به همین علت فرزند طبیعی را نمی‌توان عضو خانواده به حساب آورد. (درودیان، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

در ایران نسبت به فرزند دختر حمایت بیشتری در نظر گرفته شده است، چرا که آنان تا زمان ازدواج می‌توانند از مستمری پدر خود بهره‌مند گردند و حتی در صورتی که ازدواج نمایند و ازدواج آنها به طلاق ختم شود، باز مستحق دریافت کمک هزینه اولاد از مستمری بازنشستگی پدر خواهند بود، در صورتی که در امریکا، با رسیدن به سن خاصی دختر به طور کامل از تحت تکفل پدر خارج می‌گردد، چه شاغل باشد یا نباشد، چه ازدواج کرده باشد و چه ازدواج نکرده باشد. این موضوع حمایتی است از زنان در راستای فرهنگ ایرانی-اسلامی کشور ایران.

۳. مستمری بازماندگی

پس از فوت بازنشسته در صورت حیات همسر یا پارتنر و یا داشتن دختر یا مادری که تحت تکفل بازنشسته فوت شده بوده اند، نیز دولت نمی تواند مستمری بازنشستگی شخص فوت شد، را قطع نماید چرا که با این کار همسر یا فرزند یا مادر وی را در شرایطی بدون هیچ گونه تامین مالی قرار می دهد که این حالت موجب بروز مشکلات مالی عدیده برای بازماندگان وی می شود. زنی که تا قبل از فوت همسر یا پدر یا فرزند خود در شرایط معقول اقتصادی قرار داشت بعد از فوت وی با مشکلات اقتصادی دست به گریبان می شود؛ در صورتی که این شخص پس اندازی نداشته باشد، بعد از فوت بازنشسته تنها ممر درآمد خود را از دست داده و این عمل موجب افزایش تعداد زنان زیر خطر فقر در جوامع خواهد شد. زنانی که بعضا به علت کهولت سن و ناتوانی جسمی امکان انجام فعالیت و کسب درآمد را نیز از دست داده اند و همین امر موجب می گردد که وضعیت خانواده بازنشسته پس از مرگ او اسف بار گردد و نتیجه آن عدم رضایت از جامعه و دولت خواهد بود. از طرفی با توجه به بالاتر بودن امید به زندگی زنان نسبت به مردان، این امر موجب افزایش تعداد زنان فقیر جامعه گشته و در نتیجه آمار فوق را افزایش می دهد. در راستای کاهش این مشکلات، بعد از فوت بازنشسته با شرایطی، همسر، فرزند و مادر وی به عنوان بازماندگان متوفی، می توانند از مستمری بازماندگی استفاده نمایند.

۳-۱. همسر

در امریکا همسر بازمانده بیمه شده متوفی، با شرایطی مستحق دریافت مستمری خواهد بود. از جمله اینکه وی عهده دار سرپرستی فرزند زیر ۱۶ سال باشد، و یا ۱۰ سال از ازدواجش با متوفی سپری شده و سن او نیز به ۶۰ سال یا در صورت از کارافتاده بودن به ۵۰ سال رسیده باشد. (جعفری، فاطمه، ۱۳۸۶: ۶۷) در صورتی که فرزند تحت سرپرستی به ۱۶ سال برسد و یا زن مجددا ازدواج نماید، استحقاق وی در دریافت مستمری بازماندگی از بین می رود. البته در صورتی که ازدواج مجدد زن بیوه بعد از ۶۰ سالگی باشد، و یا در صورت از کار افتاده بودن زن، بعد از ۵۰ سالگی واقع شود، مانع تداوم پرداخت مستمری نخواهد بود.

۴۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

شرایط پیش بینی شده در امریکا شرایطی است که گاهی باعث ناعدالتی می‌گردد و زنان را در شرایط نامناسب اقتصادی قرار می‌دهد. در صورتی که زنی سرپرستی فرزندی را بر عهده نداشته باشد و سن وی کمتر از ۶۰ سال باشد، وی استحقاق دریافت مستمری را نخواهد داشت. حال در صورت عدم اشتغال این زن، بعد از فوت همسر بازنشسته اش، به گروه فقرای جامعه می‌پیوندد. این امر می‌تواند یکی از دلایل بالا بودن نرخ فقر در زنان سالمند امریکا باشد. به گونه‌ای که در حال حاضر دو سوم زنان فقیر امریکا سالمند هستند.

در صورتی که همسر بازمانده‌ای پس از فوت بیمه شده متوفی مجدداً ازدواج نموده و همسر بعدی او نیز فوت نماید، در این صورت در انتخاب هر یک از این مستمری‌ها که میزان آن بالاتر باشد، مخیر است. حالت اول دریافت مستمری مبتنی بر سابقه پرداخت حق بیمه زن است، در صورتی که خود شاغل بوده باشد. حالت دوم دریافت مستمری بر مبنای سابقه پرداخت حق بیمه همسر متوفای می‌باشد و حالت سوم مستمری بر مبنای سابقه پرداخت حق بیمه همسر متوفای بعدی می‌باشد. این امر به نوعی حمایت از زنان است تا در صورت ازدواج و فوت همسر دوم، از نظر مالی در شرایط نامناسب‌تر نسبت به قبل از ازدواج قرار نگیرند. در ایران همسر دائم مرد بیمه شده متوفی بدون قید و شرط و مادام که مجدداً ازدواج نکرده باشد، از مستمری بازماندگی برخوردار می‌شود. این حالت به نوعی در حمایت کامل از زنان جامعه است. به هنگامی که زنان همسران خود را از دست می‌دهند، تا زمانی که ازدواج ننموده‌اند، از مستمری بازماندگی همسر بازنشسته خود برخوردارند و در صورت ازدواج نیز، اصل بر این است که دیگر احتیاجی به تامین مالی از طریق مستمری بازماندگی همسر متوفی وجود ندارد و همسر جدید از نظر مالی وی را تامین می‌نماید. در این حالت از نظر مالی زنان همیشه در حد حداقلی تامین هستند. در نتیجه مستمری بازماندگی در مورد همسر بازنشسته متوفی در ایران کاملاً تامین‌کننده حقوق زنان بوده و در راستای حمایت از آنان و کاهش میزان فقر همسران بازنشسته متوفی می‌باشد و در مقایسه با امریکا، در این رابطه حقوق زنان در ایران بیشتر رعایت شده و شرایط مساعدتری برای آنان در نظر گرفته شده است. در صورتی که همسر بازنشسته متوفی مجدداً ازدواج نماید و از همسر دومش متارکه کند، مجدداً مستحق دریافت مستمری بازنشستگی مربوط به همسر فوت شده اول خود خواهد گردید و اگر همسر دوم ایشان

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۴۱

نیز فوت نماید و مستخدم مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت بوده باشد، زن بازمانده، از مستمری بازنشستگی هر کدام از دو شوهر اول و دوم که میزان آن بیشتر است می تواند برخوردار گردد. (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴۲) پیش بینی این حالت در ازدواج مجدد همسر بازنشسته متوفی و فوت همسر دوم، همچون امریکا، امری است در جهت حمایت هر چه بیشتر از زنان جامعه در راستای کاهش آسیب های وارده بر آنان.

۲-۳. همسر مطلقه

در امریکا همانطور که زنان مطلقه از مستمری همسری برخوردار هستند، در صورت فوت بازنشسته مستمری آنها قطع نشده و همچنان این مستمری ادامه خواهد داشت. شرط استفاده از مستمری همسری در زنان مطلقه در صورت فوت بازنشسته، مطابق شرایط برخورداری از مستمری بازماندگی برای همسر متوفی است که در آن، زن عهده دار سرپرستی فرزند زیر ۱۶ سال باشد، و یا سن او نیز به ۶۰ سال یا در صورت از کارافتاده بودن به پنجاه سال رسیده باشد. شرط اصلی در دریافت مستمری نیز سابقه ازدواج ۱۰ ساله با متوفی است، با جمیع این شرایط همسر مطلقه مشمول دریافت مستمری بازماندگی می گردد. این امر در راستای حمایت از حقوق زنانی است که به علت شرایط زندگی حاضر به جدایی شده اند، ولی از نظر مالی توان تامین هزینه های خود را ندارند و در این صورت در امریکا این امکان برای آنها فراهم است که از مستمری بازماندگی برخوردار گردند.

همسر مطلقه در ایران، وفق قوانین، اساساً همسر تلقی نمی شود تا استحقاق برخورداري از مستمری را داشته باشد. از طرفی در ایران، گاه همسر موقت نیز همسر محسوب نمی شود که برای آن امور مالی مترتب گردد و حتی در زمان حیات بازنشسته به همسر موقت وی مستمری ای تعلق نمی گیرد، در زمان فوت متوفی نیز این زن، هیچ حقی نخواهد داشت. چرا که هدف تامین اجتماعی در این بخش حمایت از خانواده است و در ازدواج موقت هدف تشکیل خانواده نیست، فلذا دلیلی برای حمایت از همسران موقت وجود ندارد. در مورد این قشر از زنان ایران از هیچگونه حمایت مالی برخوردار نیستند.

۴۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

۳-۳. دختر

در امریکا به دختران زیر ۱۸ سال در صورتی که ازدواج ننموده باشند و در صورت اشتغال به تحصیل تمام وقت تا ۲۵ سالگی و در صورت از کارافتادگی کامل، تا آخر عمر، مستمری بازماندگی قابل پرداخت است. در صورتی است که فرزند بازمانده قبل از رسیدن به سن ۲۲ سالگی دچار معلولیت شود، در این حالت پرداخت مستمری بازماندگی به فرزند تا زمان بهبودی وی ادامه خواهد یافت. افزایش سن دختران در صورت تحصیل را می‌توان اقدامی در جهت حمایت هر چه بیشتر از زنان و دختران جامعه در نظر گرفت.

مستمری بازماندگی در دختران، که به نحوی تا زمان ازدواج آنها پابرجاست، این امر حمایت کاملی از دخترانی است که به علت فوت پدر، به نوعی حامی مالی خود را از دست داده‌اند. علت این موضوع، وظیفه پدر در تامین نفقه فرزند دخترش تا زمان ازدواج در فرهنگ ایران می‌باشد. در حالی که اگر دختر بازنشسته فوت شده، شاغل بوده و قادر به تامین هزینه زندگی خویش باشد، از تکفل پدر خویش خارج شده و دیگر مستحق نفقه نخواهد بود. در ایران فرزند زن بیمه شده متوفی با قید در حیات نبودن پدر در شرایطی همانند شرایط فرزندان مرد بیمه شده از مستمری برخوردار می‌شوند (جعفری، ۱۳۸۶: ۷۰) و تا زمانی که ازدواج ننموده است از این مستمری بازماندگی برخوردار خواهد بود. این امر در راستای حمایت از زنان و حتی کودکان، اقدام بس شایسته‌ای می‌باشد. از طرف دیگر در صورت ازدواج و سپس طلاق، و عدم اشتغال، دختر مجدداً مستحق دریافت مستمری بازماندگی خواهد بود. در مورد فرزندان دختر ایران حمایت‌های کاملی برای آنها در نظر گرفته است.

۳-۴. مادر

در امریکا، مادر تحت تکفل بیمه شده متوفی نیز در صورت دارا بودن حداقل ۶۲ سال سن مشمول دریافت مستمری می‌گردند. پرداخت مستمری به مادر تا زمان فوت وی، ازدواج مجدد و یا احراز شرایط دریافت مستمری بر مبنای سابقه حق بیمه خود آنان (البته مشروط به آنکه میزان آن حداقل معادل مستمری دریافتی از بابت فوت فرزند بیمه شده باشد) ادامه خواهد یافت.

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۴۳

در ایران در صورتی مادر بازنشسته فوت شده جز بازماندگان محسوب می گردد که اولاً تحت تکفل فرزند خود بوده و در ثانی سن وی از ۵۵ سال تجاوز نموده باشد. در صورتی که مادری به تشخیص کمیسیون پزشکی از کار افتاده بوده و خود مستقلاً مستمری ای دریافت نکند، مستحق دریافت مستمری بازماندگی فرزند متوفی خود می باشد. (استوار سنگری، ۱۳۹۲: ۱۸۹)

در امریکا و ایران، حقوق مادران به عنوان زنان جوامع رعایت شده و به آنان در صورتی که تحت تکفل فرزندان خود باشند پس از فوت فرزندان، به عنوان بازماندگان، مستمری بازماندگی تعلق می گیرد، که خود امری در راستای گرامیداشت مقام مادر و علاوه بر آن حمایت از زن در سنین سالمندی است.

در طرح تامین اجتماعی امریکا، به منظور انجام تعدیل های دوره ای در میزان مستمری پرداختی به بازماندگان، وضعیت درآمد کلیه مستمری بگیران زیر ۷۰ سال مورد بررسی قرار می گیرد که این بررسی هرچند منجر به قطع پرداخت مستمری نمی گردد، لیکن می تواند در کاهش مبلغ آن موثر واقع شود. که این امر گاهی ممکن است سخت تر شدن شرایط زندگی زنان را به همراه داشته باشد. ولیکن در ایران بر عکس امریکا در صورت فوت بازنشسته چهار پنجم حقوق بازنشستگی وی به وراث قانونی پرداخت خواهد شد و امکان کاهش میزان مستمری بازماندگان با بررسی وضعیت درآمدی آنان در دوره های زمانی معین پیش بینی نشده است، بلکه سالیانه بر این مبلغ نیز افزوده خواهد شد و بازماندگان صرفاً با از دست دادن شرایط استحقاق از دریافت مستمری محروم می گردند.^{۲۴}

^{۲۴} ماده ۸۲ قانون استخدام کشور و یا قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت.

نتیجه گیری

ایران و امریکا، هر سعی در حمایت از حقوق زنان دارند و در این راستا قوانینی را تدوین نموده اند. در هر دو این کشورها شرایط بازنشستگی و مستمری بازنشستگی زنان، مساعد در نظر گرفته شده است و در راستای حمایت از حقوق زنان، با توجه به نظام پرداخت مستمری است. ولیکن در مستمری ثالث، ایران حمایت های بیشتری را برای دختران پیش بینی نموده است، به طوری که گاهی تا زمان حیات دختر، این حمایت ها پابرجاست. ولیکن در بخش همسر، این امریکاست که حمایت هایش از زنان از ایران پیشی گرفته است. امریکا با پیش بینی مستمری همسری برای همسران مطلقه و پارتنر، گامی مهم در جهت حمایت از زنان برداشته است. در راستای حمایت هرچه بیشتر از زنان، شایسته است ایران نیز تمهیدات مناسب را در راستای حمایت از همسران صیغه ای بیمه شدگان و همچنین همسران مطلقه ی آنها با شرایط مناسبی از جمله مدت زمان دوام رابطه ازدواج، مدنظر قرار دهد. همانطور که امریکا شرط تعلق مستمری همسری را ۱۰ سال رابطه در نظر گرفته است. با پیش بینی این موضوع، از این قشر زنان نیز حمایت مالی مناسبی صورت می پذیرد و موجب کاهش تبعیضات موجود بین اقشار زنان جامعه می گردد، که نتیجه آن افزایش رفاه عمومی در اجتماع و جلوگیری از سواستفاده ای احتمالی افراد سودجو در این باره می باشد.

مطالعه تطبیقی حمایت های حقوقی از زنان در نظام مستمری بازنشستگی در حقوق امریکا و ... ۴۵

منابع

الف: منابع فارسی

- استوار سنگری، کورش (۱۳۹۳)، حقوق تامین اجتماعی، تهران: نشر میزان.
- جوان جعفری، محمدرضا (۱۳۸۶)، «مزایای تامین اجتماعی برای همسران و اعضای خانواده بیمه شدگان، در نظام تامین اجتماعی آمریکا و مقایسه اجمالی با نظام تامین اجتماعی ایران»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، شماره هشتم.
- جعفری، فاطمه (۱۳۸۶)، «مطالعه تطبیقی مستمری بازماندگان در اسناد بین المللی حقوق ایران، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، عربستان سعودی و ساحل عاج»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، شماره نهم.
- جعفری، زهرا (۱۳۸۶)، «کمک هزینه عائله مندی»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، شماره هفتم.
- درودیان، حسنعلی، نجفی خواه، محسن (۱۳۸۴)، «رابطه حقوق تامین اجتماعی و حقوق مدنی»: مستخرج از کتاب دیدگاه هایی در حقوق تامین اجتماعی، تهران: انتشارات آتیه، چاپ اول.
- دفتر بین المللی کار (۱۳۷۳)، راهنمای آموزش کارگران، ترجمه: نورو طالقانی، ابوالقاسم، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- رشوند، مهدی (۱۳۸۵)، «مبانی نظری بازنشستگی»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، پیش شماره سوم.
- رهوری، کتایون (۱۳۸۵)، «بررسی حق برخورداری زنان از تامین اجتماعی در نظام بین المللی و داخلی»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، پیش شماره چهارم.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۵)، «کلیاتی راجع به بیمه شدگان تبعی»، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، پیش شماره پنجم.
- گرجی پور، اسماعیل (۱۳۹۵)، اسناد سیاسی نظام تامین اجتماعی چند لایه کشور، تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حقوق تامین اجتماعی، تبریز: انتشارات آیدین.
- موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی (۱۳۹۵)، مجموعه سخنرانی ها و مقالات دومین همایش ملی ارزیابی اکچویری در صندوق های بازنشستگی ایران، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

۴۶.. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

- واحد مطالعات و تحقیقات بیمه ای موسسه حسابرسی صندوق بازنشستگی کشوری (۱۳۸۷)، بررسی سیستم های بازنشستگی در جهان: برنامه های بازنشستگی خصوصی در ایالات متحده، سازمان بازنشستگی کشوری.

ب: منابع انگلیسی

- D. Campbell, Colin. (۱۹۶۹). " **Social Insurance in the United States: A Program in Search of an Explanation**", the journal of law and economic, Vol.۱۲, N.۲.
- Harrington Meyer, Madonna.(۲۰۱۴). "**Family Status and Poverty among Older Women: The Gendered Distribution of Retirement Income in the United States**" , ,Social Problems, Vol.۳۷, N.۴.
- Holmlund, Bertil; OH\hlsson, Henry; Erling Steigum. (۲۰۰۱). "**Intergenerational Transfers, Taxes and the Distribution of Wealth**", The Scandinavian Journal of E CONOMICS, Vol.۱۰۳, N.۳
- Jean-Jacques, Dupeyroux. (۱۹۸۸). **Droit la Sécurité sociale**, Paris: Dalloz, ۱۱ édition.
- La securite Social. (۱۹۷۰). **Geneve: cours d'etuducation ouvriere**.
- M. O'Rand, Angela; I. Farkas, Janice. (۲۰۰۲). "**Couples' Retirement Timing in the United States in the ۱۹۹۰s**", International Journal of Sociology, Vol.۳۲, N.۲.
- Murray, Patty. (۲۰۱۵). **Senator Murray Report on Women and The Retirement Age Gap. USA**.
- Ono, Hiromi; Stafford, Frank. (۲۰۰۱). "**Till Death Do Us Part or I Get My Pension? Wives' Pension Holding and Marital Dissolution in the United States**", The Scandinavian Journal of Economics, Vol. ۱۰۳, No. ۳.
- Quadagno, Jill. (۱۹۸۸). **The Transformation of Old Age Security: Class and Politics in the American welfare state**, London: University of Chicago Press.
- Social Security Programs Throughout the World: The Americas, (۲۰۱۵), Switzerland: International Social Security Association.
- Social Security Programs Throughout the World: Europe, ۲۰۱۶, Washington, DC: SSA Publication.